اقتراح

مقایسه تجربه کشورهای پیشرفته با ایران در رابطه با کارهای داوطلبانه

گفت‌وگوی وسط هفته با محمد معتمدی

تا «جهانی‌شدن» راه دراز است

نگاه روز

باید از سرچشمه زلال شد

محمدبقایی‌ماکان
جامعه‌شناس

هر جامعه‌ای که به فرهنگ آراسته باشد به‌طور طبیعی دارای روحی سالم، مسالمت‌جو و قلبی با صفا و صمیمیت خواهد بود اما چنین موهبتی نصیب هر جامعه‌ای نمی‌شود، بلکه جوامع زمانی دارای این فضیلت خواهند شد که در دیگر زمینه‌ها پیشرفت کرده باشند. یعنی از لحاظ اقتصادی و معیشتی مشکلی نداشته باشند و مسائل ناشی از زندگی مادی و عینی تاثیری بر حیات فکری و ذهنی آنها نگذاشته باشند. بنابراین در جامعه‌ای که هر یک از اعضای خانواده ناچارند از بام تا شام برای گذران زندگی فعالیت کنند و اوقات خود را با کد یمین و عرق جبین صرف گذران زندگی کنند از ذهنی آسوده برخوردار نخواهند بود و به‌طور طبیعی از مسالمت و آرامش دور می‌افتند.

از جامعه که بگذریم فرد نیز چنین است و از آن‌جا که هر جامعه‌ای از افراد شکل می‌گیرد، بنابر این ضروری است که مدیریت‌های مختلف یک جامعه به افراد آن جامعه و به قشرهای مختلف مردم از منظرهای مختلف توجه کنند تا در نهایت آنچه که موجب سلامت روح و افزایش آرامش و کم‌شدن تنش می‌شود در آنان فزونی بگیرد. براساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که میل به چنین هدفی نیاز به زیرساخت‌های صحیح اقتصادی و مدیریت درست بر این زمینه دارد. در طول تاریخ نیز به روشنی می‌توان شاهد بود که هر گاه هنر، ادبیات، صنعت و هر آنچه که در حوزه فرهنگ به معنای واقعی قرار می‌گیرد، تحت‌تأثیر زیرساخت‌های صحیح اقتصادی و غنای مادی بوده است. برای مثال در یونان باستان که روزگاری بزرگترین فیلسوفان و هنرمندان از آن سر بر آورده‌اند یعنی عصر معروف به پیکلر دارای ویژگی‌های یادشده بوده است. یعنی مدیریتی ناظر بر احوال اقتصادی جامعه وجود داشته که در نهایت موجب شکفتگی ذهن فرد و طبیعتا افراد جامعه می‌شده است.

در تاریخ ایران نیز می‌بینیم که هر گاه جامعه از مدیریتی مطلوب برخوردار بوده، ابتکار و خلاقیت و ابداع و سازندگی در آن رشد کرده است که برای مثال می‌توان از دوره سامانیان، بخشی از دوره غزنوی و همچنین ایام اتابکان فارس را نام برد که بزرگترین شاعران زبان فارسی متعلق به این ایام می‌باشند. تاریخ هرگز سراغ ندارد که جامعه‌ای دارای فقر اقتصادی بوده باشد و در عین حال بهره‌مند از زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با خلاقیت هم بوده باشد. چنین چیزی یعنی جمع اضداد که به‌طور منطقی غیرممکن است. بنابراین وقتی رسما اعلام می‌شود که در جامعه‌ای هر ساله پانصدهزار نفر راهی زندان می‌شوند و مدام قوانین و احکام و دستورالعمل‌هایی برای انضباط جامعه وضع می‌شود یعنی آن جامعه دارای تشتت فکری و مشکلات معیشتی است که مهم‌ترین عامل در ایجاد خشونت و جدایی افراد از یکدیگر می‌شود که در نهایت ارکان خانواده را سست می‌سازد و اگر موجب طلاق به معنای واقعی نشود - که البته می‌شود - اما بی‌گمان طلاق‌های عاطفی را پیش می‌آورد که تأثیر مستقیم بر فرزندان یک خانواده خواهد گذاشت و به این ترتیب جامعه را مانند موریانه‌ای از درون می‌جسود و تفاله می‌کند. در این صورت است که از جامعه فقط ظاهری باقی می‌ماند و بدل می‌شود به انبان سرکوفتگی‌ها، عقده، مشکلات روانی و پریشانی‌های ذهنی که به اندک بهانه‌ای از کوره در می‌رود و برای یک دستمال قیطریه آتش می‌زند که شواهد آن را می‌توان در صفحات حوادث مطبوعات و باتگاهی به پرونده‌های بی‌شمار تشکیل شده در دادگاه‌ها یافت. نتیجه این که رودخانه گل‌آلود هر جامعه پرتنش را باید از سرچشمه اقتصاد اصلاح کرد وگرنه این رودخانه به قول هراکلیتوس هیچ‌گاه صورت زلال به خود نخواهد گرفت، مگر آن که از سرچشمه اصلاح شود.

گزارش

در پنجمین نشست تخصصی آب، فرهنگ و جامعه پیشنهاد شد

دموکراسی آب به‌جای جنگ آب

طرح‌نو|سلسله نشست‌هاومیزگردهای تخصصی با عنوان «آب، فرهنگ و جامعه» به‌عنوان اقدامی مشترک از مرکز بررسی استراتژیک ریاست جمهوری، انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، انجمن علمی جامعه‌شناسی ایران و سازمان مردم نهاد اندیشکده آب از مهرماه سال گذشته به‌طور مستمر برگزار می‌شود. این نشست‌ها به دنبال شناخت جنبه‌های مختلف بحران آب و تأثیر آن بر ساحت‌های مختلف یک جامعه است تا بتواند مسأله بحران آب را تحلیل و تشریح کند و به موضوعات تخصصی مدیریت بحران آب از منظرهای مختلف بپردازد. در همین راستا نشست تخصصی پنجم از سلسله نشست‌های آب فرهنگ و جامعه با موضوع «حکمرانی آب و سطوح مختلف آن» در نیمه هفته گذشته (۳۱ فروردین) در شرکت مدیریت منابع آب ایران برگزار شد. صاحبنظران این نشست با هدف پاسخگویی به سه پرسش اصلی گردهم آمدند:

-منظور از سطوح حکمرانی چیست؟ چگونه تعیین خط‌مشی‌ها در سطوح مختلف به اشتراک گذاشته می‌شود و الزامات آن برای کشور ما چیست؟

-شکل‌گیری و تکامل حکمرانی آب در سطوح مختلف چگونه است و چه تاثیری بر استقرار اصول حکمرانی خوب مانند انصاف، مشروعیت، کارآیی، شفافیت و پاسخگویی دارد؟

-استقرار حکمرانی چندسطحی آب در کشور ما چه مزیت‌ها یا محدودیت‌هایی دارد؟

نظام حکمرانی آب باید بازسازی شود یا لزوم توجه به روندهای حکمرانی در سطح جهانی.

آنوش نوری، اسفندیاری عضوشورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران در سخنانی یکی از انگیزه‌های اصلی این نشست‌ها را فراهم‌سازی شرایط ذهنی لازم برای تغییر نگرش‌ها و رویکردها به‌ویژه در سطوح بالای مدیریتی جامعه، بخش خصوصی و نهادهای اجتماعی برشمرد تا با ایجاد سطح مناسبی از وفاق ملی و محلی، زمینه اصلاح حکمرانی آب را مهیا کند. اسفندیاری با تأکید بر «استخراج مسائل کلیدی در موضوع حکمرانی آب» و «روشنگری در باب ابعاد مختلف آن» به‌عنوان اهداف شاخص برگزاری نشست‌های حکمرانی، از سازوکار اشتراک قدرت در میان ذینفعان به‌عنوان شالوده اصلی حکمرانی نام‌برده که «حوزه حکومت یا دولت، تنها بخشی از قلمرو مباحث حکمرانی را در برمی‌گیرد. به گفته اسفندیاری اهمیت مسائل نهادی و سیاسی در مباحث حکمرانی برجسته‌تر و نقش نهادها در کنترل حیات اجتماعی در مقایسه با مدیریت، کلیدی است. ارتباط حکومت با جامعه، تجلی این ارتباطات و کیفیت آن در سیاست‌ها، قوانین و سازوکارهای مورد استفاده کنشگران، توجه به توافقات و اجماع‌سازی، حل‌وفصل منافشات، پاسخگویی و انجام تعهدات و نیز سرمایه اجتماعی به‌عنوان موضوعات اصلی در چارچوب بررسی موضوع حکمرانی است. درواقع هدف از حکمرانی مطلوب گرایش به سمت خلق فضاهای جدیدی است که سهم باید‌ها و اجبار در آن کنترل، مجال برای رشد ظرفیت‌ها و انگیزه‌های انسانی مهیا و سازوکارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز نقش‌پررنگ‌تری بیابند.

وی عبور از مفاهیم اولیه حکمرانی و حرکت به‌سوی بررسی جنبه‌های اجرایی و بازسازی نظام حکمرانی، بررسی موانع پیش‌روی موضوع مشارکت در جهت دستیابی به حکمرانی مطلوب و همچنین مدل‌های چندسطحی حکمرانی (جهانی، ملی و محلی) را به‌عنوان دستور کار این نشست مطرح کرده و با اشاره به شرکت رسمی مسئولیت ایران در هفتمین نشست شورای جهانی آب در کشور کره، لزوم توجه به روندهای حکمرانی در سطح جهانی و تعهدات مربوط را لازم دانست؛ چراکه به‌تدریج جنبه‌های حقوقی این تعهدات برای کشور پررنگ‌تر خواهد شد. اسفندیاری در خاتمه تأکید کرد که بحث حکمرانی درواقع مستلزم پذیرش تحولاتی است که در جامعه وجود داشته و به ناگزیر تغییر در شیوه اداره جامعه در تناسب با این مقتضیات را می‌طلبد و این بر خلاف روشی است که اصرار دارد تا با تغییرات ظاهری به حفظ وضع موجود بپردازد و به جای آن که درصدد انطباق سیاست‌ها با واقعیت‌های جامعه برآید، به خیال خود واقعیت‌ها را با سیاست‌های موجود تطبیق می‌دهد.

خلأهای قانونی فعالیت تشکل‌ها و نهادهای مدنی

هدایت‌الله فهمی، معاون دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفای وزارت نیرو نیز در این نشست با مروری بر مفاهیم و اصطلاحات متداول در حکمرانی پایدار آب بر وجود تعابیر متعدد برای عبارت Governance (حکمرانی) و عدم اجماع روی آن تأکید کرده و پیشنهاد داد برای پیشبرد مباحث یک تعریف از این واژه ارایه شود. به گفته این مسئول وزارت نیرو اگرچه در وهله نخست واژه حکمرانی ممکن است به معنای سیطره بر جامعه (حاکمیت) تعبیر شده باشد، ولی در اصل با آن تفاوت داشته و به گستره‌ای از سیستم‌های سیاسی، اجتماعی و اجرایی اطلاق می‌شود که اسباب ساماندهی حیات اجتماعی را در جامعه مهیا کرده و ضمن پوشش دادن وضع و اجرای قوانین (حاکمیت بخشی از چتر جامع حکمرانی)، درصدد احیای سازوکارهایی است که نقشی تعادلی را میان حاکمیت و آحاد جامعه ایفا می‌کند و به‌واسطه آن، افراد و گروه‌های مختلف جامعه را در راستای تحقق مطالبات مشروع‌شان کمک کند.

وی با اشاره به این که در روزگار کنونی هر نظام یا هر حکومتی حتی با اعمال سیاست‌های مشت آهنین به‌تنهایی قادر به اداره مطلوب جامعه نیست، عنوان کرد: حاکمیت‌ها بایستی نهادهای مدنی را به‌عنوان بخشی از حکومت به‌رسمیت شناخته و در توازن قوا مشارکت دهد و به‌کار گیرند. فهمی از جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت به‌عنوان سه‌عنصر اصلی در باب حکمرانی یادکرده و با اشاره به جنبه مشارکت به‌عنوان فصل مشترک تمامی تعاریف مختلف حکمرانی، بکارگیری این خصیصه را در کنار دموکراسی آب به‌عنوان پیش‌شرط‌های اصلی تحقق حکمرانی خوب آب مطرح کرد. فهمی در توضیح این پیش‌شرط‌ها، دموکراسی آب را به مفهوم پذیرش مسئولیت تسهیم آب میان بخش‌های عمده مصرف‌کننده (کشاورزی، صنعت و خدمات) به‌جای تقسیم یا تخصیص آب توسط نهاد حاکمیتی (وزارت نیرو) تعبیر کرده و شرایط کنونی و رول حاکم برای حفر چاه و دریافت جواز بهره‌برداری در مناطق مختلف کشور را به‌عنوان مصداق بارزی از کاستی‌های حکمرانی که در قالب تمرکز در تصمیم‌گیری تبلور یافته، برشمرد.

ادامه در صفحه ۱۰

جامعه توانمند

توانمندسازی جامعه از کدام راه می‌گذرد؟

مشارکت، تعلق اجتماعی، هم‌افزایی و خلاقیت

اسماعیل قدیمی
مدرس دانشگاه

توانمندسازی به‌معنی اختیار دادن به‌بالندگی رساندن و مستعد ساختن شخص یا اشخاصی فاقد امکانات و ناتوان از بهره‌مندی از فرصت‌های موجود در جامعه برای تولید کالاها و خدماتی که مردم به آن نیاز دارند است. توانمندسازی افراد به‌معنی تشویق آنان برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌هایی است که سطح زندگی اجتماعی را از نظر کمی و کیفی ارتقا داده و نظامی را به‌وجود می‌آورد که افراد آن از داشتن‌اش احساس غرور، نشاط و شایستگی می‌کنند و زندگی را دارای معانی اجتماعی می‌دانند.

توانمندسازی را می‌توان در دو بخش خصوصی و عمومی درنظر گرفت. به عبارت دیگر، فرایندهای توانمندسازی در دو حوزه عمومی یا دولتی و خصوصی قابل پیاده‌سازی است. بنابراین، موسسات و افراد متولی فرآیندهای توانمندسازی باید از مهارت و توانایی در دو حوزه متفاوت، با اقتضائات خاص برخوردار باشند. پیشینه توانمندسازی به دموکراسی صنعتی و شریک شدن کارکنان در تصمیم‌گیری‌های سازمان برمی‌گردد. این کار تحت عنوان‌های گروه‌سازی، مشارکت افزایی و مدیریت کیفیت جامع انجام شده است. از سال ۱۹۸۰ نظریه‌پردازانی چون کانگر و کانونگو از دانشگاه مک‌گیل (Conger & Kanungo: ۱۹۸۸)، اسپریتزر (Speritzer:۱۹۹۵)، کنت بلانچارد (Kent Blanchard)، جان پی کارلوس (John.P.Carlos: ۲۰۰۰)، بنیس و مانوس (Bennis & Nanus:۱۹۸۵) مک‌للن (McClelland:۱۹۷۵)، نیلسن (Neilsen:۱۹۸۶)، هاوس و کانتر (House, in press; Kanter: ۱۹۷۹)، بلاک (Block:۱۹۸۷) و بورک (Burke:۱۹۸۶) به نظریه‌پردازی در این زمینه پرداخته و گفته‌اند که توانمندسازی کارکنان و زیردستان یک اصل اساسی در علم مدیریت و اثربخشی سازمان‌هاست.

رویکردهای توسعه منابع انسانی را باید به دهه‌های ۳۰ میلادی به بعد نسبت داد. پس از شکست تفکرات مهندس فردریک وینسلو تیلور که از مدیریت علمی بدون اصالت دادن به روح انسانی، سخن می‌گفت، نظریه روابط انسانی از سوی کسانی همچون التون مایو مطرح شد. توجه به روابط انسانی از جمله رهیافت‌های توسعه منابع انسانی به مدیریت است. در طول سال‌های آخر دهه ۱۹۲۰ تا آغاز دهه ۱۹۳۰ میلادی مجموعه مطالعاتی در کارخانه شرکت وسترن الکتریک در شهر هاثورن صورت پذیرفت، این بررسی‌ها که به مطالعات هاثورن مشهور شد، سرانجام به جنبش روابط انسانی در مدیریت منجر شد.

توانمندسازی را باید یک رویکرد از مجموعه رویکردهای توسعه منابع انسانی تلقی کرد که در آن، توسعه توانمندی‌های کارکنان در بخش‌های دولتی و خصوصی منجر به بالندگی نیروی انسانی و سازمان می‌شود. توانمندسازی یک حرکت دایمی است و اهمیت آن همواره رو به افزایش است؛ چراکه اساس توسعه در کسب و کار امروز، همگام بودن با تغییرات اجتماعی، سازگاری با نوآوری‌ها و دستاوردهای تکنولوژیکی و تأمین بی‌درنگ تقاضاهای نوبه‌نوی محیط رقابتی است.

یکی از مهم‌ترین نتایج فرآیندهای توانمندسازی کاهش هزینه‌های نظارت در حوزه‌های کار و فعالیت اجتماعی و گروهی است. در شرکت‌های موفق امروزی، اکنون نظارت بر کار کارکنان جای خود را به خود کنترلی و نظارت‌های الکترونیکی داده است؛ به‌عنوان مثال در کمپانی آمریکایی کرایسلر هر ۵۰ کارگر یک مدیر دارند، درحالی که یک دهه قبل هر ۲۰ نفر یک مدیر داشتند. با طی فرآیندهای توانمندسازی، این هزینه‌ها به حداقل می‌رسد و احساس خودکنترلی و خودسامانی فرد توانمند را بی‌نیاز از کنترل بیرونی می‌کند.

امروزه توانمندسازی، به عنصر اصلی کسب و کار در دنیای صنعتی و رقابتی تبدیل شده است، زیرا بدون مشارکت همگانی در فرآیندهای تولید نمی‌توان به تولید کالا و خدمات قابل عرضه در بازار جهانی پرداخت. به عبارت دیگر، شدت رقابت آنچنان زیاد است که بدون مشارکت همه عناصر انسانی و تکیه بر هم‌افزایی نیروها و انرژی‌ها نمی‌توان از ظرفیت لازم و کافی برای رقابت برخوردار شد. توجه به خواسته‌های مشتریان، بهبود خدمات پس از فروش، نوآوری مداوم، افزایش بهره‌وری، ارزان‌شدن محصول و طراحی‌های جذاب و دهها اقدام دیگر در کشورهای صنعتی برای جلب توجه مشتریان در بازارهای جهانی، توانمندسازی افراد جامعه به‌ویژه کشورهای درحال توسعه را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

ادامه در صفحه ۱۰